

## بررسی ریشه‌شناختی واژه "نماز" با تکیه بر متون ایران باستان

فربیا شریفیان\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۷

### چکیده

با بررسی ریشه‌شناختی واژه نماز در ایران و تاریخ کاربرد آن می‌توان به اهمیت این فریضه به عنوان فعلی عبادی در میان ایرانیان پی برد. واژه نماز در اصل از ریشه هندو اروپایی nem به معنای تعظیم کردن آمده است. نماز در اوستا به صورت اسم خنثی از ماده nōmah که در اصل از اسم خنثی nāmas در سنسکریت به معنای تعظیم، کرنش گرفته شده که همراه با ریشه kri فعل نماز کردن در مفهوم سر تعظیم فرود آوردن، احترام کردن است. این فعل در اوستا از صورت ماده اسمی مذکور در وجوه مختلف ساخته شده است. در زبان‌های ایرانی میانه شرقی و غربی واژه نماز در متون بجامانده از این دوران به کار رفته است. واژه نماز در این متون گاه نشانگر ادای احترام فرودستان به مقامات فرادستی و گاه به عنوان فعل عبادی بیانگر رکوع و خضوع بندگی در برابر پرودگار بوده است.

**کلیدواژگان:** نماز، اوستا، سنسکریت، فارسی میانه ساسانی، فارسی میانه اشکانی، ختن.

## مقدمه

از زمانی که آدمی پا به عرصه هستی نهاده خداوند او را بدون راهنما نگذاشته است. در طول تکامل بشر همواره پیامبرانی برگزیده شدند تا انسان را به منزلگاه حقیقی خویش راهنمایی کنند. یکی از احکامی که همه پیامبران الهی مردم را به آن دعوت می‌کردند نماز است. اصل عبادت و پرستش خداوند در همه شریعت‌های الهی وجود داشته، ولی شکل و کیفیت آن متفاوت بوده است. به عنوان نمونه نماز یکی از ارکان مهم آیین زرتشت است و زرتشتیان در راه دین‌داری و رسیدن به کمال به برپایی نماز امر شده‌اند. نماز زرتشتیان بسیار شبیه نماز مسلمانان بوده است که در پنج نوبت باید همراه با دعاهای مخصوص ادا می‌شد (بویس، ۱۳۸۱: ۵۷-۵۸).

هم‌چنین در سه منبع قرآن و روایات، تورات یا عهد عتیق و مورخان از نماز در دین یهود می‌گویند.

حضرت موسی علیه السلام از همان آغاز رسالتش از سوی خداوند، به برپایی نماز مأمور می‌شود. وقتی حضرت موسی علیه السلام با همسرش از مدین عازم مصر می‌شود و در تاریکی و ظلمت شب نوری را در کنار طور مشاهده می‌کند و چون به سوی آن می‌رود تا شعله‌ای را از آن برگیرد و به سوی خانواده‌اش بازگردد، ندا می‌آید که:

﴿اننی اناالله لاله الا انا فاعبدنی واقم الصلوه لذكری﴾ (طه / ۱۴)

«همانا من الله هستم و معبودی جز من نیست. پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد

من به پا دار»

این آیه علاوه بر نمازگزاری بر انس و حضور قلب و نماز در آیین یهود دلالت دارد. در آیه شریفه خداوند از آن رو خطاب به موسی می‌فرماید: «نماز را برای یاد من به پا دار» که برپاداشتن نماز برای خدا با نماز بدون روح که همراه انس و حضور قلب نیست منافات دارد. این آیه بر نمازگزاری همراه با انس، در آیین یهود دلالت دارد. در منابع معتبر و اصیل دینی یهود نیز بر این موضوع تأکید شده است (کوهن، ۱۰۴: ۱۳۹۰-۱۰۰).

در شریعت عیسی علیه السلام برپایی نماز از واجبات مهمی است که خداوند، در همان آغاز تولد به ایشان توصیه کرد. اولین کلماتی که حضرت عیسی پس از تولد در جمع مردم حیرت‌زده بیان کرد، در مورد نماز بود. قرآن می‌فرماید: حضرت عیسی علیه السلام چنین گفت:

﴿ابن عبدالله آتانی الکتاب وجعلنی نبیاً وجعلنی مبارکاً این ماکت واوصانی بالصلاة والزكاة مادمت حياً﴾ (مریم / ۳۰)

«من بنده خدا هستم. خداوند به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است مرا می‌بهد برکت قرار داد هر کجا که باشم و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرد»

قرآن در توصیف مریم علیها السلام - مادر حضرت عیسی علیه السلام - نیز پس از اینکه او را به خاطر ایمان، تقوا و پاکدامنی برگزیده زنان جهان نام می‌نهد، خطاب به او می‌فرماید:

﴿یا مریم اقنتی لربک واسجدی وارکعی مع الراكعین﴾ (آل عمران / ۴۲)

«ای مریم برای پروردگارت خضوع کن و سجده به جا بیاور و با رکوع کنندگان رکوع کن»

در روایات نیز بیان شده که حضرت عیسی علیه السلام در توصیه‌هایشان به حواریون، نماز به عنوان شرافتمندانه‌ترین عمل اخروی و بهترین یاری‌دهنده در فراز و نشیب‌های زندگی دنیوی یاد کرده است و در آن یاران خود را به پیگیری این فریضه الهی فرمان داده‌اند (حرانی، ۱۳۸۹: ۵۰۸).

نماز در دیگر ادیان الهی نیز جایگاه خاصی داشته و دیگر پیامبران الهی نیز در مورد نماز احکام خاصی را تبیین کرده و آن را به پا داشته‌اند. از جمله این پیامبران می‌توان به این بزرگان اشاره کرد: آدم، نوح، ادریس، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، یونس، شعیب، زکریا، لقمان، لوط، ایوب، خضر، ذوالکفل، صالح، شیث (مجلسی، ۱۳۸۴: ۲۶۳، ۳۳۱، ۲۸۰ و طبرسی، ۱۳۸۴: ۱۶۶؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۶؛ ابراهیم، ۳۷ و ۴۰؛ مریم، ۵۴؛ آل عمران، ۳۷؛ انبیاء، ۷۳-۷۱؛ لقمان، ۱۷).

با بررسی ریشه‌شناختی واژه نماز در ایران و تاریخ کاربرد آن می‌توان به اهمیت این فریضه به عنوان فعلی عبادی در میان ایرانیان پی برد و به این نتیجه رسید که دین کامل اسلام توسط ملتی پذیرفته شد که یکتاپرست بودند و ظرفیت پذیرش کامل‌ترین دین را داشتند. بی‌گمان ایرانیان چه پیش از اسلام در عهد باستان و چه پس از آن یکتاپرست بودند و در زمره نامورترین مردم متدین جهان قرار داشتند. از میان دستوره‌های دینی قبل از اسلام ایران نیز نماز اهمیت ویژه‌ای دارد (رضایی، ۱۳۹۳: ۴۵۳، ۴۵۱، ۲۶۳؛ بیرونی، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

## ریشه‌شناسی واژه نماز

واژه نماز واژه‌ای پارسی است که ایرانیان برای واژه "صلاة" عربی به کار می‌بردند. این واژه به معنای خم شدن، سرفروداوری برای ستایش پروردگار، احترام و اظهار بندگی و اطاعت است (عمید، مدخل نماز؛ دهخدا مدخل نماز). واژه‌های نماز بردن، در نماز آمدن، به نماز آمدن، در نماز آوردن، به معنای پرستش کردن، عاجزی نمودن، خم شدن، به علامت تعظیم و بندگی و به خاک افتادن به قصد تعظیم در برابر پادشاهی یا بزرگی دیگر به کار رفته است. واژه نماز در اصل از ریشه هندو اروپایی -nem: تعظیم کردن آمده است (Pokorny, 1959: 764؛ Rendich, 2013: 295). نماز در اوستا به صورت اسم خنثی از ماده -nəmah که در اصل از اسم خنثی nāmas در سنسکریت به معنای تعظیم، کرنش گرفته شده که همراه با ریشه kṛi فعل نماز کردن در مفهوم سر تعظیم فرود آوردن، احترام کردن است. این فعل در اوستا از صورت ماده اسمی مذکور در وجوه مختلف ساخته شده است (Bartholomae, 1904: 1069-1071؛ Monier williams, 1899: 528).

در سنسکریت (nam, namau(-ie) به معنی خم شدن و تعظیم کردن آمده است. ماده اسمی این ریشه namas: تعظیم و کرنش و ماده فعل مضارع namasya و ماده ماضی آن namasyaiti است. در زبان یونانی واژه nemo: در معنای به مرتع رفتن و توزیع کردن آمده است. در زبان لاتین nemas در مفهوم جنگلی که در آن مراسم و شعایر خاص برگزار می‌شود آمده است (Rendich, 2013: 295).

ریشه -nəm(-nām) در اوستا به معنی خم شدن با پیشوند \*apa- در مفهوم ترک کردن و با پیشوند \*fra- در مفهوم گریختن آمده است (Kellens, 1995: 40؛ Cheung, 2007: 280). -nəmō-bara- ماده صفت فاعلی واژه نماز در اوستا از ماده اسمی -nəmah است. -nəmah در اوستا در حالت‌های مختلف صرفی ساخته شده است. در این باره مثال‌های زیر از قدیمی‌ترین بخش اوستا یعنی گاهان انتخاب شده است (Bartholomae, 1904: 1069-1071).

nəmə: فاعلی، مفرد (۴۴: ۱)

nəmas: مفعولی، مفرد (۴۹: ۱۰)

Nəmaṇhā: بایی، مفرد (۲۸ : ۱) (۳۴ : ۳) (۳۶ : ۲) (۵۰ : ۶) (۵۱ : ۵) (۵۱ : ۲۰)

Nəmaṇhō: اضافی، مفرد (۴۳ : ۹)

Nəmaṇhō: ازی، مفرد (۴۴ : ۱) (۴۵ : ۸)

در زبان‌های ایرانی میانه شرقی و غربی واژه نماز در متون بجامانده از این دوران به کار رفته است. واژه نماز در این متون گاه نشانگر ادای احترام فرودستان به مقامات فرادستی و گاه به عنوان فعل عبادی بیانگر رکوع و خضوع بندگی در برابر پرودگار بوده است (ارداویراف نامه: ۵۶). این واژه در زبان سغدی به صورت‌های namc: نماز، تعظیم، احترام؛ nmcbry: نماز؛ nmckn: درود، پرستش، هدیه؛ nmcyw: نیایش و مصدر nmcyw βr-naunda: نماز بردن به کار رفته است (قریب، ۱۳۷۴: ۲۳۹).

واژه نماز در زبان بلخی οναμωσ: در ختنی, nauda, naudanāmda, "احترام، کرنش، تعظیم"؛ در پارسی میانه ترفانی frn'm (fra-nam) "هدایت"، abnft "عزیمت"، qr'mnmystyg "احترام می‌گذاریم، تعظیم می‌کنیم". این ریشه در زبور در کلمه sgdh و در پاپیروس‌های آرامی sgd آمده که در زبان عبری sagad و در عربی sajdeh شده است. در زبان فارسی میانه اشکانی یا پارسی واژه namāž در مفهوم تعظیم کردن و سر فرود آوردن به کار رفته است (Bailey, 1979: 173؛ ارداویرافنامه ۱۰۷ و ۱۰۸).

ماده فعلی -nanda در زبان ختنی و -nauda در ختنی جدید در مفهوم پرستش کردن آمده است. در ختنی قدیم -panam برگرفته از پیشوند ایرانی باستان -pati\* و ریشه -nam به معنی خم شدن، تعظیم کردن است. این ریشه همراه با پیشوند -fra\* به صورت hanam (ختنی قدیم) و (-hana-, hanaim-, hanem): خم شدن به پایین، آمده است. واژه -binam-/bīnam متشکل از پیشوند -i-ū\* و ریشه -nam در ختنی به معنی از هم جدا شدن، تقسیم شدن است (Emmerick, 1968: 69, 146, 96؛ Bailey, 1979: 173, 284, 451).

در فارسی میانه ساسانی واژه نماز به صورت nm'č و هزوارش OSGDE از ریشه آرامی sgd آمده است. از این واژه در فارسی میانه در ترکیب فعلی namāzburdan:

نماز بردن و nambarišnih) ضبط ناصحیح namazbarišnih: نماز بردن به کار رفته است را نام برد(هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ۴۰۶؛ Mackenzi, 1971: 57).

در اینجا به دلیل کثرت متون بجامانده از زبان فارسی میانه ساسانی(پهلوی) به نمونه‌هایی از کاربرد واژه نماز هم در مفهوم عبادت و بندگی و هم در مفهوم احترام شخص فرادست به شخص فرودست در جمله‌های ذیل اشاره شده است.

اصطلاح "نماز بردن" در مفهوم خضوع بندگی در بند ۱۱ از متن پهلوی وزیدگی‌های زادسپرم آمده است. این کتاب در قرن سوم هجری توسط زادسپرم پسر گشن جم که احتمالاً از صاحب‌نظران مسائل حقوقی نیز بوده است به نگارش در آمده است(وزیدگی‌های زادسپرم: ۶۷؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۵):

«رردشت نماز برد، گفت: "نماز به اورمزد، نماز به امشاسپندان!" و پیش رفت، در جای پرستشگران بنشست».

«یادگار زیران» رساله کوچکی است که در اصل به زبان پارسی نوشته شده که در آن از جنگ‌های ایرانیان و خیونان سخن رفته است. در بند ۲۲ این کتاب فعل "namāz burd": نماز بردند، برای نشان دادن احترام شخص فرودست به فرادست به کار رفته است(یادگار زیریر: ۱۸؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۶۷):

"widrafš jadug ud nāmwxwāst ī hazārān frwardag be padiriftud o wištāspšāh namāz burd bē raft hēnd".

«بیدرفش جادوگر و نامخواست هزاران نامه را پذیرفتند و به گشتاسپ شاه نماز بردند و برفتند».

کتاب «کارنامه اردشیر بابکان» به عنوان تنها اثر تاریخی پهلوی در اواخر دوره ساسانی بر اساس روایت‌های کهن‌تر فارس نوشته شده است. در «کارنامه اردشیر بابکان» نیز نماز بردن برای نشان دادن احترام به شخص فرادست به کار رفته است(کارنامه اردشیر بابکان: ۱۲۱؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۶۰):

"Kanēzagkaššāpurudasuwarāndīdxāstudnamāzburdudguftkudrus tudwehud pad drōdāwardid".

«کنیزک چون شاپور و سواران را دید برخاست و نماز برد و گفت درست و به و بدرود آمدید».

«دادستان مینوی خرد» یا به اختصار «مینوی خرد» کتابی به زبان فارسی میانه ساسانی است. مجموعه پرسش‌هایی است که «داننا» نامی از مینوی خرد(روح عقل)

می‌کند و پاسخ‌هایی که مینوی خرد به پرسش‌های وی می‌دهد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۹۶). در فصل ۵۲ از کتاب «مینوی خرد»:

«پرسید دانا از مینوی خرد که نماز و ستایش ایزدان را چگونه باید کرد؟ مینوی خرد پاسخ داد که هر روز سه بار برابر خورشید و مهر ایستادن و به همین گونه ماه و آتش بهرام را بامداد و نیمروز و عصر نماز و ستایش کردن و سپاسدار بودن و... و برای برائت از گناه هرچه بهتر ممکن است کار نیک کردن (مینوی خرد: ۶۳). خشمگینی مکن چه مرد هنگامی که خشم بگیرد کارهای نیک و نماز و پرستش ایزدان فراموشش شود (مینوی خرد: ۲۱)».

«دین‌کرد» یا «دینکرت» کتاب سترگی است به زبان فارسی میانه ساسانی (پهلوی)، که آن را به درستی «دانشنامه مزدیسنی» و یا «درسنامه دین مزدایی (زرتشتی)» خوانده‌اند. واژه "دینکرد" (dēnkart در پارسی میانه) را می‌توان به "کرده‌ها (کارها)ی دینی" و نیز "نوشته دینی" برگردانید. این گردآورده بزرگ خود دارای ۹ نسک است، که از آن میان نسک‌های نخست و دوم و نیز پاره‌ای از نسک سوم آن به دستان ما نرسیده است. دینکرد فراهم آمده از نوشته‌هایی است که زمان نگارش و نیز نویسندگان آن‌ها سراسر شناخته نیستند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۲۸-۱۲۹).

در دینکرد پنجم درباره نماز بردن به مردمان صحبت شده که منظور از آن احترام گذاشتن به یکدیگر است:

نماز بردن به مردمان عبارت است از فرود آوردن سر به نشانه تواضع برای نیایش به هم‌نوعان نه آنگونه پرستشی که از آن آفریدگار است که در این صورت ناسودمند می‌تواند باشد (دینکرد ۵: ۷۲-۷۳).

در دینکرد سوم دستور نماز یومیه را در دین مزدایی توضیح داده است:

«هر فرد مزدایی وقت نماز زمانی که در کار یزش می‌شود می‌باید رو به خورشید نیایش اورمزد جهان آفرین را به جا آورد به».

بخشی از این نیایش عبارت است از:

«به نام و ستایش آنکه همیشه بوده و همواره هست و تا به جاودان خواهد بود آن ایزد سپندار مینو که ژرف‌ترین مینوی همه مینوان است و در گوهر خویش یکتاست و نامش اورمزد است خداوند بزرگ و دانا و دادار و پروردگار و نگهدارنده و مهربان و کرفه کار و بخشاینده و پاک و نیک و دادگستر و همه توان».

در جای دیگر با کاربرد واژه نماز به این صورت اهورا مزدا را ستایش می‌کنند:

«نماز بر همه آگاه مهربان ... که فرمانروا بر همه هست‌ها و بوده‌ها و باشنده‌هاست. آن فرهیخته‌ترین همه فرهیختگان که رهاننده روان از گذرگاه داوری و گذراننده از دوزخ و رساننده به آن برترین جایگاه پارسایی و ... است» (دینکرد سوم: ۱۵۳-۱۵۴).

خرده اوستا (اوستای کوچک) جوان‌ترین بخش اوستا و مجموعه‌ای است از دعاهای کوتاه خاص مردم عادی زرتشتی که آن‌ها را در موقعیت‌های خاصی می‌خوانند، در برابر دعاهایی که خواندن آن‌ها در مراسم دینی خاص روحانی‌ها است. نام این کتاب فقط به صورت پهلوی آمده است و درباره زمان تدوین متن‌های آن نمی‌توان اظهار نظر کرد. تدوین خرده اوستا به آذرباد مَهْرَبَدان، موبدان موبد زمان شاپور دوم ساسانی (۳۰۹ تا ۳۷۹ م.) نسبت داده شده است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۴۲-۴۳).

در متن خرده اوستا به تفصیل به نماز و نیایش پرداخته شده است و از چند نماز یاد شده؛ از جمله نماز هوشبام است huša در اوستا از ušas سنسکریت آمده و معنی نیمه شب تا برخاستن خورشید را می‌دهد بام از bāmya. اوستا به معنی تابنده است و در پهلوی و فارسی معنی سپیده دم و سحرگاه را می‌دهد. علاوه بر این نماز در خرده اوستا از پنج نماز تحت عناوین خورشید نیایش که هر روز سه بار در صبح هاونگاه ظهر ریپتوینگاه و عصر از رینگاه خوانده می‌شود. مهر نیایش هم به همین نحو پس از خورشید نیایش خوانده می‌شود. ماه نیایش سه بار در ماه به هنگام دیدن هلال ماه و کامل شدنش و زمانی که رو به کاهش می‌گذارد خوانده می‌شود. اردویسور نیایش یا آبان نیایش در روز آبان هر ماه یعنی دهمین روز هر ماه خوانده می‌شود در کنار رود و جوی و در روز می‌خوانند. آتش نیایش را هم موبدان در پنج گاه روز در آتشکده‌ها می‌خوانند. یعنی علاوه بر سه گاه قبل در اویسروتیمگاه (از اول شب تا نیمه شب) و در اشهینگاه (از نیمه شب تا برآمدن خورشید) نیز این نماز را به پا می‌دارند. خواندن آبان نیایش و آتش نیایش از واجبات نیست و فقط ثواب ویژه دارد. از متون دیگر پهلوی که به نماز پرداخته روایات داراب هرمزد است (خرده اوستا: ۱۰۳-۱۰۵).

### نتیجه بحث

با بررسی ریشه‌شناختی واژه نماز در ایران و تاریخ کاربرد آن می‌توان به اهمیت این فریضه به عنوان فعلی عبادی در میان ایرانیان پی برد و به این نتیجه رسید که دین



کامل اسلام توسط ملتی پذیرفته شد که یکتاپرست بودند و ظرفیت پذیرش کامل‌ترین دین را داشتند. گرچه این واژه پیش از اسلام در ادای احترام فرودستان به مقامات فرادستی کاربرد وسیع داشت پس از اسلام تنها به عنوان فعل عبادی برای نشان‌دادن خضوع و بندگی در برابر ذات مقدس پروردگار بوده است.

## کتابنامه

- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. ۱۳۹۰ش، **الآثار الباقية عن القرون الخالية**، به تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران: نشر فردوس.
- ارداویراف نامه**، تألیف ژینیو، فیلیپ. ۱۳۹۰ش، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین.
- بویس، مری. ۱۳۸۱ش، **زردشتیان (باورها و آداب دینی آنها)**، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: انتشارات ققنوس.
- تفضلی، احمد. ۱۳۷۶ش، **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: نشر قلم.
- حرانی، محمد. ۱۳۸۹ش، **تحف العقول**، ترجمه علی اکبر میرزایی، تهران: نشر صالحان.
- خرده اوستا**، ۱۳۸۰ش، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود، تهران: انتشارات اساطیر.
- رضایی، عبدالعظیم. ۱۳۹۳ش، **اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرهنگ عمید و لغت نامه دهخدا در سایت [www.vajehyab.com](http://www.vajehyab.com).
- قریب، بدرالزمان. ۱۳۷۴ش، **فرهنگ سغدی**، تهران: انتشارات فرهنگیان.
- قریب، بدرالزمان. ۱۳۸۵ش، **فرهنگ سغدی**، جلد چهاردهم، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: نشر کتابفروشی اسلامیة.
- کتاب پنجم دینکرد**، ۱۳۸۶ش، به کوشش ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: انتشارات معین.
- کتاب سوم دینکرد**، ۱۳۸۱ش، برگردان فریدون فضیلت، تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا.
- کهن ای**، ۱۳۹۰ش، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران: نشر اساطیر.
- وزیدگی‌های زادسپرم**، ۱۳۸۵ش، برگردان محمدتقی راشد محصل، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- هرن، پاول و هوبشمان، هاینزیش. ۱۳۹۴ش، **فرهنگ ریشه‌شناسی پهلوی**، ترجمه همراه با گواه‌های فارسی توسط جلال خالقی مطلق، اصفهان: نشر مهرافروز.
- یادگار زریران**، ۱۳۹۲ش، برگردان ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین.

## کتب لاتین

- Bailey, Harold. W. B., 1979, **Dictionary of Khotan Saka**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bartholomae, Christian. 1904, **Altiranisches Worterbuch**, zusammen mit den Nacharbeiten und Vorarbeiten. Strassburg: Karl J. Trubner.
- Cheung, Johnny. 2007, **Etymological Dictionary of the Iranian Verb**, Boston: Leiden.
- Emmerick, Ronald Eric. 1968, **Saka Grammatical Studies**, London: Oxford University Press.

- Kellens, Jean, 1995, **Liste du verbe avestique, avec un appendice sur l'orthographe des racines avestiques par Erick Pirart**. Wiesbaden: Reichert.
- Mackenzie, D.N. 1971, **A Concise Pahlavi Dictionary**, London, Oxford University Press.
- Monier Williams, Monier. 1899, **A Sanskrit-English Dictionary**, Oxford, Clarendon Press.
- Pokorny, J., **Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch**, I-II, Stuttgart 1959.
- Rendich, Franco. 2013, **Comparative Etymological Dictionary of Classical Indo-European Languages**, Translated by Gordon Davis, Rendich Publishing.